

بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)

کیومرث اشتریان^۱

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد رضا امیرزاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۲۹ - تاریخ تصویب: ۹۳/۲/۲۹)

چکیده

مشارکت سیاسی در ابعاد گوناگون آن، عامل مهمی برای ادامه حیات سیاسی جوامع و حکومت‌ها محسوب می‌شود. این مفهوم نماد حضور مردم در اعمال حکومت به حساب می‌آید و در کشورهای دموکراتیک، شاخص مهمی برای رضایت‌مندی مردم تلقی می‌شود. انتخابات مهم‌ترین نماد مشارکت سیاسی به حساب می‌آید، تا آنجا که میزان مشارکت مردم در عرصه انتخابات همواره از سوی حاکمان به دقت دنبال می‌شود، چرا که روند صعودی یا نزولی آن در بردارنده نکات مهمی از نگاه و نگرش مردم نسبت به ارکان اساسی مشروعیت حکومت است. عوامل مختلفی بر مشارکت مردم اثرگذار است. هدف ما در این مقاله، بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت است. برای انجام این تحقیق از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. طبق نتایج به دست آمده از تحلیل پرسشنامه‌ها فرضیه اصلی این پژوهش تأیید و مشخص شد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی

انتخابات، سرمایه اجتماعی، شبکه، شبکه‌های اجتماعی مجازی، مشارکت، مشارکت سیاسی.

مقدمه

شبکه‌های اجتماعی مجازی در دنیای پیشرفته کنونی که در آن فناوری به سرعت پیشرفت کرده، آثار قابل ملاحظه‌ای داشته است؛ تا آنجا که در ایجاد بحران‌ها، حرکت‌های اعتراضی، شورش‌ها و از سوی دیگر مقابله با بحران‌ها و مشکلات اجتماعی آثار انکارناپذیری دارد. وجه تمایز مهم شبکه‌های مجازی از دیگر گروه‌ها این است که حکومت‌ها و ناظران دولتی نمی‌توانند کنترل چندانی بر این شبکه‌ها داشته باشند. سخت‌ترین مانعی که دولت‌ها می‌توانند ایجاد کنند فیلترکردن برخی سایت‌هاست که آن هم با استفاده از فیلترشکنی ساده قابل دورزدن است. با آنکه زمان زیادی از گسترش اینترنت نمی‌گذرد با چنان سرعتی خود را در زندگی مردم به منزله جزء ضروری جاداده است که نمی‌توان روزی را تصور کرد که بتوان بدون اینترنت سپری کرد تا آنجا که به بیان میترا و واتس «خیلی‌ها معتقدند که اینترنت به یک عامل همه‌جا حاضر قرن ۲۱ در ارتباطات جهان تبدیل خواهد شد» (منتظر قائم، ۱۳۸۴: ۲۲۴).

محققان در حال تحقیقات علمی روزافزون درباره اینترنت و تأثیر آن در عرصه‌های مختلف‌اند. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مشارکت سیاسی و اینترنت (ایوا آندویز و دیگران: ۲۰۰۹)؛ شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی: نقش واکنش اجتماعی در مشارکت سیاسی (مکلرگ: ۲۰۰۳)؛ تأثیر استفاده از اینترنت بر مشارکت سیاسی، تحلیل نتایج پیمایش برای افراد ۱۶ ساله شهر بلگوین (الان کویبتلیور و همکاران: ۲۰۰۸)؛ شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، تحلیل انتقادی آثار آن‌ها بر زندگی فردی و اجتماعی (بیسواجیت داس، مترجم: منادعلی: ۱۳۹۱)؛ نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس (کیا، ۱۳۹۰)؛ بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی (ضیایی‌پرور و همکاران: ۱۳۸۹)؛ اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه‌های خاموش (منتظر قائم: ۱۳۸۴).

شبکه‌های اجتماعی برخط، وبگاه‌های مخصوص به اشتراک‌گذاری عکس و ویدئو و ثبت نظریات در اینترنت ابزارهایی به شمار می‌آیند که به آشنایی و ارتباط مردم با یکدیگر کمک می‌کنند. از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ میلادی، حدود یک‌ونیم میلیارد نفر در جهان به کاربران این شبکه‌ها تبدیل شده‌اند (بیسواجیت داس، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

در این تحقیق به دنبال سنجش سطح مشارکت سیاسی در قالب‌های سنتی آن‌ایم. فردی که در خانه حضور دارد و از طریق تلفن همراه یا اینترنت، پیام سیاسی ارسال می‌کند، نمونه‌ای از مشارکت سیاسی است. با وجود این، چنین اقدامی نوع جدیدی از مشارکت سیاسی محسوب می‌شود، اما در این تحقیق صرفاً به موارد سنتی مشارکت سیاسی توجه شده است؛ به این معنا که به دنبال بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سطوح مشارکت مردم در قالب

مشارکت سنتی ایم (مانند حضور در پای صندوق‌های رأی‌گیری، تظاهرات، میتینگ، و فعالیت‌های حزبی و انجمنی).

در این تحقیق با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه به بررسی نقش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر میزان مشارکت مردم پرداخته‌ایم. جامعه آماری این تحقیق شامل تمام افراد بالای بیست سال ساکن در شهر تهران است^۱ که پس از انجام مرحله پیش‌آزمون از ۳۰ نفر و رفع معایب در مناطق مختلف تهران انجام شده است.

چارچوب نظری

رسانه‌های نوظهور از جمله شبکه‌های اجتماعی از مباحث جدید اجتماعی است که در سال‌های اخیر اهمیت یافته و تحقیقات زیادی پیرامون آن انجام شده است.

نظریه شبکه اجتماعی پاتنام رابطه شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی را به خوبی تبیین می‌کند. پاتنام با سه مؤلفه سرمایه اجتماعی را ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌کند و مؤلفه اول آن شبکه‌هاست. از دیدگاه پاتنام شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای اعم از مدرن و سنتی، فئودالی یا سرمایه‌داری و ... وجود دارد. وی شبکه‌های اجتماعی را یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی می‌داند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. پاتنام شبکه‌های اجتماعی را به دو قسمت تقسیم می‌کند: ۱. شبکه‌های افقی «مساوات‌طلب» در قالب مشارکت‌های مدنی (انجمن‌ها، باشگاه‌ها و ...) که خاستگاه دو مؤلفه دیگر است. ۲. شبکه‌های عمودی یا «انحصارطلب» که فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همپاری است (Putnam, 200: 313). در این میان شبکه‌های افقی انبوه باعث تقویت همکاری درون‌گروهی می‌شود. آن‌ها با دورزدن شکاف‌های طبقاتی، همکاری گسترده‌تری پدید می‌آورند. پاتنام شبکه عمودی یا سلسله‌مراتبی را فاقد توان برقراری اعتماد و همکاری اجتماعی می‌داند، چرا که جریان اطلاعات در شبکه عمودی نسبت به شبکه افقی، شفاف و مؤثر نیست. همچنین، هنجارهای معامله متقابل و مجازات‌های مربوط به تخلف از آن که مانع فرصت‌طلبی می‌شود در شبکه‌های عمودی برای مقامات عالی‌رتبه کمتر وضع شده و کمتر اجرا می‌شود (Putnam, 1993: 7).

مشارکت یکی از ارکان اصلی سرمایه اجتماعی است. از سویی شبکه‌های اجتماعی نیز یکی از عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی است که افراد در ارتباط با هم کسب می‌کنند و به نوعی

۱. مرحله جمع‌آوری داده توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) انجام شده است.

در ذات، افراد را به سوی همکاری و تعاون و مشارکت فرامی‌خواند و می‌توان آن را از اصل بر پایه مشارکت بنا کرد. همچنین، بهبود عملکرد شبکه اجتماعی در یک رابطه، باعث پدید آمدن حسن نیت و اعتماد متقابل می‌شود و همگرایی ذهنی را تقویت می‌کند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸۲).

مکلرگ نیز معتقد است پیوندهای بینافردی، دوستانه و خانوادگی درون شبکه‌های اجتماعی منجر به تقویت تقاضاها برای مشارکت سیاسی در افراد می‌شود. از سوی دیگر، تنوع در شبکه، امکان دسترسی افراد به منابع اطلاعاتی را بیشتر فراهم می‌سازد و به ایجاد بحث‌های سیاسی برای افزایش مشارکت سیاسی منجر می‌شود. این امر به نوبه خود منجر به ایجاد گروه‌های جدیدی درون شبکه‌های اجتماعی می‌شود که این گروه‌های جدید بیش از دیگران در فعالیت‌های سیاسی درگیر می‌شوند. وی در مقاله‌ای با عنوان «شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی: نقش تعامل اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی» به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تعامل در شبکه‌های اجتماعی قوی بر گرایش به مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد. مک لرگ استدلال می‌کند که تعاملات اجتماعی فرصت‌هایی برای افراد جهت جمع‌آوری اطلاعات در مورد سیاست ایجاد می‌کند که به آن‌ها اجازه می‌دهد فراتر از محدودیت منابع شخصی زندگی کنند. در نتیجه، این امر حمایت بسیاری از مردم از فعالیت‌های سیاسی را به دنبال دارد. او با استفاده از داده‌های جمع‌شده از انتخابات، شواهدی ارائه می‌کند دال بر تأثیر تعامل اجتماعی بر مشارکت که تا حد زیادی به بحث‌های سیاسی در شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد (Macdurg, 2003).

لایتلی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تعامل اجتماعی و تأثیرات مبتنی بر مشارکت سیاسی» به بررسی این فرضیه می‌پردازد که پیوندهای اجتماعی بر احتمال مشارکت افراد تأثیر دارد. او به دنبال پاسخ به دو سؤال در مورد تأثیر پیوندهای اجتماعی بر مشارکت است. سؤال اول این است که آیا ویژگی‌های شبکه‌های روابط افراد بر احتمال مشارکت آنان تأثیر می‌گذارد؟ سؤال دوم نیز اینکه آیا تعامل اجتماعی فقط بر آن نوع مشارکتی تأثیر می‌گذارد که اساس اجتماعی دارد یا بر انواع دیگر مشارکت نیز تأثیرگذار است؟ لایتلی به این نتیجه می‌رسد که تعامل اجتماعی بر هر دو سطح مشارکت فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد، هر چند همیشه این مشارکت در جهت مورد انتظار نیست (Leighley, 1990).

مشخص است که این‌گونه نظریه‌ها معطوف به مسائل و پدیده‌های جوامع توسعه‌یافته و دموکراتیک غربی نظریه‌پردازی شده‌اند. این در حالی است که عموم تحقیقاتی که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در ایران سنجیده‌اند به نتایج متفاوتی از تحقیقات مشابه غربی دست یافته‌اند. برای مثال، براساس تحقیقات انجام‌شده در ایران (برخلاف غرب) رابطه تحصیلات و

میزان درآمد با سرمایه اجتماعی رابطه‌ای منفی و معنادار است؛ به این معنا که هرچه سطح تحصیلات، همچنین میزان درآمد افراد افزایش پیدا می‌کند سطح سرمایه اجتماعی و به تبع آن میزان اعتماد و مشارکت آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. امیر سیاه‌پوش در مقاله‌ای با عنوان «فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران» معتقد است میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان پایین‌تر از سایر اقشار جامعه است. این امر ممکن است متأثر از فضای حاکم بر دانشگاه‌ها باشد که در بعضی موارد با اهداف نظام و نیز ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه مطابقت ندارد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد در غالب موارد با افزایش میزان تحصیلات میزان اعتماد نیز کاهش می‌یابد (سیاه‌پوش، ۱۳۸۷: ۱۱۶). همچنین، براساس نظر کیان تاج‌بخش «در ایران ما فرق خاصی با کشورهای غربی داریم. هر قدر سطح تحصیلات مردم بالا می‌رود، اعتمادشان نسبت به اجتماع و نهادهای سیاسی پایین‌تر می‌آید» (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۶).

باتوجه به نتایج این تحقیقات انتظار می‌رود که سطح مشارکت سیاسی آن‌دسته از کاربران که حضور فعالی در شبکه‌های اجتماعی مجازی دارند نسبت به افرادی که حضور پررنگی در این گونه شبکه‌ها ندارند به صورت معناداری پایین‌تر باشد.

اهمیت شبکه‌های اجتماعی مجازی

در عصر کنونی که به عبارتی عصر فناوری اطلاعات نیز هست شبکه‌های اجتماعی مجازی به دور از مداخله‌های مستقیم دولتی، عامل مهمی در ایجاد بسیج منابع و حرکت‌های اجتماعی بر له یا علیه حکومت‌ها به حساب می‌آید.

اینترنت از قابلیت مناسب برای برقراری ارتباط بین فعالان سیاسی، گروه‌های مخالف، اشاعه دیدگاه‌های آن‌ها، افشای اسناد محرمانه، فساد حکومتی، جمع‌آوری شکایت‌های اینترنتی، سازمان‌دهی رفتارهای سیاسی و... برخوردار است؛ برای مثال، استفاده فعالان سیاسی چینی از اینترنت علیه اقدام دولت خود در سرکوب آزادی‌خواهان در میدان تیان‌آن‌من و استفاده چریک‌های شهر چی‌پاس از اینترنت علیه حکومت مکزیکی (عبداللهان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۵)^۱.

رسانه‌های نوین ابزاری بالقوه برای فرار از سیاست‌های از «بالا به پایین» است. آن گونه که جیمز کلنن می‌گوید نقش رسانه‌های نوین در عرضه خدمات مربوط به آزادی بیان تحت شرایط سلطه‌وار امکانات ارتباطی مهم است. بی‌شک برای دولت‌ها آسان نیست که دسترسی به اینترنت را برای شهروندان مخالف تحت نظارت درآورند، هرچند ناممکن هم نیست (سام‌بند، ۱۳۹۰: ۱۶۵، ۱۶۴). اینترنت و شبکه‌های مجازی فضای جدید را در عرصه ارتباطات به‌وجود

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به جانسون، ۲۰۰۱.

آورده‌اند که به آسانی نمی‌توان تأثیرات آن را نادیده گرفت. البته، شبکه‌های اجتماعی تنها قادر به شکل دادن به اعتراض‌ها و رساندن آن به فرمانروایان و افکار عمومی جهانی است و بیشتر جنبه سلبی دارد تا جنبه ایجابی؛ به این معنا که این شبکه‌ها نمی‌توانند در جامعه نهادسازی کنند و دموکراسی را استوار و پایدار سازند، زیرا این کار بیشتر به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و... بستگی دارد (کیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲).

مشارکت سیاسی

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین تعریف کرده‌اند. از حیث مفهومی نیز مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری یا حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی‌نبار، ۱۳۷۹: ۱۵؛ علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

در این تحقیق شاخص مشارکت به سه دسته سیاسی، نهادی (رسمی) و غیررسمی (مذهبی) تقسیم شده است. اما بنا به اهمیت و تأثیرگذاری بیشتر مشارکت سیاسی بیشتر به این بخش از مشارکت پرداخته‌ایم، ضمن اینکه دو قسم دیگر نیز در حد لازم توضیح داده شده است.

مشارکت سیاسی عبارت است از رفتار و اقدامات شهروندان برای تأثیرگذاری بر اتخاذ تصمیم‌هایی که نمایندگان و مقامات دولتی اخذ می‌کنند که به صورت اقدام و عملی در جهت اعتراض به نتیجه اتخاذ سیاست‌ها و یا تغییر در نگرش تصمیم‌گیرندگان نسبت به موضوعات مورد نظر است. برخی صاحب‌نظران سه حالت متمایز را برای مشارکت سیاسی در نظر گرفته‌اند: رأی دادن، مبارزه انتخاباتی و نفوذگذاری. این سه نوع از نظر درجه تعارض نهادی و میزان و تلاش ابتکار فردی متفاوت است. در میان سه نوع مشارکت، نفوذگذاری بیشترین تعارض را با رأی دادن دارد. رأی دادن دارای نهادی‌ترین تعارض و نفوذگذاری دارای کمترین تعارض بوده است، در حالی که رأی دادن مستلزم کمترین ابتکار شخصی و نفوذگذاری دارای بیشترین ابتکار عمل است (قوام، ۱۳۸۹: ۱۴۴، ۱۳۹۰).

در فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی به معنای شرکت در فراگردهای سیاسی است که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و بر آن اثر می‌گذارد (آبرکرامی به نقل از پناهی و دیگران، ۱۳۸۴: ۹۴). آلن دوبنوا نیز معتقد است که مشارکت سیاسی قالبی سیاسی است که در آن هر شهروند حق دارد به‌خصوص از طریق تعیین

حکام و امکان اظهار موافقت و مخالفت با آن‌ها در امور عامه شرکت جوید (دوبنوا به نقل از پناهی و دیگران، ۱۳۸۴: ۹۴).

اگر بپذیریم که دموکراسی در عمل به معنای مشارکت و رقابت سیاسی تعدادی از گروه‌ها و منافع سازمان‌یافته به منظور تصرف قدرت سیاسی و اداره کشور بر حسب سیاست‌ها و مواضع هر یک از آن گروه‌هاست، در آن صورت احزاب سیاسی و انتخابات کانون و هسته اصلی زندگی دموکراتیک را تشکیل می‌دهد. مشارکت سیاسی بدون رقابت سیاسی، مشارکت دموکراتیک به شمار نمی‌رود، همچنانکه در بسیاری از کشورهای توتالیتر اکثر مردم در انتخابات شرکت می‌کنند. همچنین در حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری مردم به شیوه‌های گوناگونی به پای صندوق‌های رأی کشانده می‌شوند (بشیری، ۱۳۸۲: ۳۷۵، ۳۷۶).

روش تحقیق

برای انجام این تحقیق از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای تحلیل و آزمون فرضیه‌ها از طریق نتایج استخراج‌شده از پرسشنامه‌های توزیعی به‌دست آمد که در مرحله بعد از طریق نرم‌افزار spss تحلیل شد.

جمعیت نمونه

جمعیت آماری پژوهش را تمام افراد بالای ۲۰ سال ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شد. برای انجام نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با تخصیص مساوی استفاده شده است. در این تحقیق شهر تهران به ۵ ناحیه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شده است. دلیل انجام این کار این بود که ضمن پوشش تمام نواحی تهران، بتوان نمونه‌ای مکفی از هر ناحیه به‌دست آورد. پس از این تقسیم‌بندی، در هر ناحیه دو منطقه به‌صورت تصادفی انتخاب و نمونه‌گیری انجام شد.

جدول ۱. جمعیت آماری پژوهش

ردیف	ناحیه	شماره مناطق	منطقه منتخب	تعداد نمونه
۱	شمال	۱،۲،۳،۴،۵	۱،۴	۸۰
۲	جنوب	۱۶،۲۰،۱۸،۱۹	۲۰،۱۶	۸۰
۳	شرق	۸،۱۳،۱۴،۱۵	۸،۱۵	۸۰
۴	غرب	۹،۱۷،۲۱،۲۲	۱۷،۲۲	۸۰
۵	مرکز	۶،۷،۱۰،۱۱،۱۲	۷،۱۲	۸۰
	جمع			۴۰۰

از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه ۵۰/۷ درصد زن و ۴۹/۳ درصد مرد، همچنین تمام پاسخگویان ساکن شهر تهران بودند. از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه ۴ درصد ۲۰ سال، ۴۰ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۷ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۸ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۵ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۶ درصد بالای ۶۰ سال بودند. همچنین، از این میان ۲۹/۸ درصد مدرک زیردیپلم، ۴۱ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۲۳ درصد لیسانس و ۶/۳ درصد نیز فوق لیسانس یا بالاتر داشتند.

از سوی دیگر ۹۷/۳ درصد مسلمان شیعه، ۱/۹ درصد مسلمان سنی، ۰/۵ درصد زرتشتی، و ۳ درصد بدون دین خاص و صفر درصد نیز کلیمی، مسیحی و سایر ادیان بودند. همچنین، ۲۵/۶ درصد درآمدی زیر ۴۰۰ هزار تومان، ۴۰/۴ درصد بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۳۴ درصد نیز درآمدی بیشتر از ۶۰۰ هزار تومان داشتند.

یافته‌ها

نکته‌ای که در این مقاله به دنبال یافتن آن‌ایم این است که چه رابطه‌ای بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت مردم وجود دارد. شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان متغیر مستقل از طریق سؤال‌های مختلفی درباره میزان استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، میزان اعتماد به اخبار این قبیل شبکه‌ها و... سنجش شد. از سوی دیگر نیز شاخص شبکه (مشارکت) با گویه‌های مختلفی عملیاتی و سنجش شد. در این تحقیق شبکه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: مشارکت سیاسی، مشارکت نهادی و مشارکت غیررسمی.

مذهبی

مشارکت سیاسی شامل مواردی می‌شود که به هر نحو مربوط به فعالیت‌های سیاسی است، مانند فعالیت‌های انتخاباتی، شرکت در رأی‌گیری‌ها، فعالیت‌های حزبی، حضور در سخنرانی‌ها، میتینگ‌های سیاسی و طرفداری از جناح سیاسی خاصی.

جدول ۲. مشارکت سیاسی

ردیف	سؤال‌ها	گزینه‌ها	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد
۱	تا چه اندازه در انتخابات حضور دارید؟	تعداد	۶۸	۴۷	۶۶	۱۰۷	۸۳
		درصد	۱۸/۳	۱۲/۷	۱۷/۸	۲۸/۸	۲۲/۴
۲	تا چه اندازه در راهپیمایی و سخنرانی‌های سیاسی حضور دارید؟	تعداد	۱۸۳	۸۰	۳۹	۳۵	۲۳
		درصد	۵۰/۸	۲۲/۲	۱۰/۸	۹/۷	۶/۴
۳	تا چه اندازه در طرفداری از یک جناح سیاسی خاص حضور دارید؟	تعداد	۲۵۱	۴۵	۲۷	۲۲	۸
		درصد	۷۱/۱	۱۲/۷	۷/۶	۶/۲	۲/۳

در مشارکت نهادی (یا رسمی) نیز به مواردی پرداخته شده است که فرد در انجمن غیرسیاسی اما با ساختار مشخص و به عبارتی رسمی به فعالیت مشغول است. این نوع مشارکت با استفاده از این سؤال‌های زیر سنجیده شده است: میزان فعالیت در انجمن‌های خیریه، اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی، حرفه‌ای، انجمن‌های اسلامی؛ میزان فعالیت در پایگاه‌های بسیج، انجمن اولیا و مربیان، شوراهای محلی، انجمن‌های هنری و ادبی، علمی و سازمان‌های غیردولتی (NGO).

جدول ۳. مشارکت غیررسمی

شماره	سؤال‌ها	گزینه‌ها	خیلی کم	کم	تأخیر	زیاد	خیلی زیاد
۱	تا چه اندازه با انجمن‌های خیریه همکاری می‌کنید؟	تعداد	۹۳	۱۱۴	۷۸	۷۳	۱۰
		درصد	۲۵/۳	۳۱	۲۱/۲	۱۹/۸	۲/۷
۲	تا چه اندازه با اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی، حرفه‌ای همکاری می‌کنید؟	تعداد	۲۱۹	۷۱	۲۳	۲۸	۸
		درصد	۶۲/۸	۲۰/۳	۶/۶	۸	۲/۳
۳	تا چه اندازه با انجمن‌های اسلامی همکاری می‌کنید؟	تعداد	۲۱۹	۷۰	۳۰	۲۱	۲
		درصد	۶۴	۲۰/۵	۸۸	۶/۱	۰/۶
۴	تا چه اندازه با فعالیت‌های پایگاه بسیج همکاری می‌کنید؟	تعداد	۱۸۲	۶۸	۳۱	۳۵	۱۷
		درصد	۵۴/۷	۲۰/۴	۹/۳	۱۰/۵	۵/۱
۵	تا چه اندازه با انجمن اولیا و مربیان همکاری می‌کنید؟	تعداد	۲۰۸	۶۲	۲۹	۴۳	۵
		درصد	۵۹/۹	۱۷/۹	۸/۴	۱۲/۴	۱/۴
۶	تا چه اندازه با شوراهای محلی همکاری می‌کنید؟	تعداد	۲۴۵	۵۶	۱۹	۱۷	۳
		درصد	۷۲/۱	۱۶/۵	۵/۶	۵	۰/۹
۷	تا چه اندازه با انجمن‌های هنری و ادبی یا علمی همکاری می‌کنید؟	تعداد	۲۱۰	۵۸	۲۷	۳۸	۱۸
		درصد	۵۹/۸	۱۶/۵	۷/۷	۱۰/۸	۵/۱
۸	تا چه اندازه با سازمان‌های غیردولتی همکاری می‌کنید؟	تعداد	۲۴۲	۴۸	۲۰	۱۸	۸
		درصد	۷۲	۱۴/۳	۶	۵/۴	۲/۴

در نهایت نیز مشارکت غیررسمی - مذهبی با استفاده از این سؤال‌های زیر ارزیابی شد: شرکت در مراسم روزه‌خوانی، و اعیاد مذهبی (شامل مراسم ماه محرم، ماه رمضان، ...)

شرکت در نماز جماعت در مساجد و حسینیه‌ها و مکان‌های دیگر، جلسات آموزش دینی و احکام، ختم اموات یا قرائت قرآن.

جواب به این سؤال‌ها به این شرح بوده است:

- تا چه اندازه در مراسم روضه‌خوانی، و اعیاد مذهبی (شامل مراسم ماه محرم، ماه رمضان،...) حضور دارید؟

۱۱/۷ درصد خیلی کم، ۱۱/۵ درصد کم، ۱۷/۱ درصد تا حدودی، ۳۷/۱ درصد زیاد و ۲۲/۷ درصد نیز خیلی زیاد را انتخاب کردند.

- تا چه اندازه در نماز جماعت در مساجد و حسینیه‌ها و مکان‌های دیگر حضور دارید؟
۳۱/۹ درصد خیلی کم، ۳۰/۲ درصد کم، ۱۴/۴ درصد تا حدودی، ۱۲/۵ درصد زیاد، و ۱۰/۹ درصد خیلی زیاد.

- تا چه اندازه در جلسات آموزش دینی و احکام، ختم اموات یا قرائت قرآن حضور دارید؟

۳۳/۲ درصد خیلی کم، ۲۴/۵ درصد کم، ۱۴/۱ درصد تا حدودی، ۱۷/۴ درصد زیاد، ۱۰/۹ درصد خیلی زیاد.

- معمولاً در یک ماه تا چه اندازه به دید و بازدید اقوام، آشنایان و دوستان خود می‌روید؟
۲۰/۴ درصد خیلی کم، ۲۵/۳ درصد کم، ۲۵/۵ درصد تا حدودی، ۲۲/۸ درصد زیاد، ۶ درصد نیز خیلی زیاد.

همچنین، در قسمت متغیر مستقل (شبکه‌های اجتماعی مجازی) آمار به دست آمده پیرامون میزان استفاده از و اعتماد به این شبکه‌ها در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

ردیف	سوال‌ها	توضیحات	گزینه یک	گزینه دو	گزینه سه	گزینه چهار	گزینه پنج	نتیجه آزمون خنثی دو
۱	به طور معمول چه میزان از اینترنت استفاده می‌کنید؟	گزینه‌ها	استفاده نمی‌کنم	کمتر از ۱ ساعت	روزانه بین ۱ تا ۲ ساعت	بین ۲ تا ۳ ساعت	روزانه بیش از ۳ ساعت	مغایرت
		تعداد	۱۹۵	۷۱	۵۲	۱۸	۴۶	
		درصد	۵۱.۰	۱۸.۶	۱۳.۶	۴.۷	۱۲.۰	
۲	چه مدت از زمان حضور خود در اینترنت را در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مثل فیس بوک، گوگل پلاس و ...) می‌گذرانید؟	گزینه‌ها	اصلاً استفاده نمی‌کنم	خیلی کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	مغایرت
		تعداد	۵۰	۴۳	۳۶	۳۰	۲۰	
		درصد	۳۷.۹۳٪	۲۴.۰۲٪	۲۰.۱۱٪	۱۶.۳۶٪	۱۱.۱۷٪	
۳	تا چه حد اخبار و اطلاعات خود را از شبکه‌های مجازی (مثل فیس بوک، گوگل پلاس و ...) به دست می‌آورید؟	گزینه‌ها	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	مغایرت
		تعداد	۳۰	۲۱	۳۳	۳۷	۱۹	
		درصد	۳۳.۰۸٪	۱۶.۱۵٪	۲۵.۳۸٪	۳۰.۷۷٪	۱۴.۶۲٪	
۴	سطح اعتماد جوانان به سایت‌ها و شبکه‌های مجازی را تا چه حد ارزیابی می‌کنید؟	گزینه‌ها	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	مغایرت
		تعداد	۴۶	۴۶	۶۴	۱۴۰	۵۲	
		درصد	۱۳.۲٪	۱۳.۲٪	۱۸.۴٪	۴۰.۲٪	۱۴.۹٪	

نتیجه‌ای که از تحلیل داده‌ها به دست آمد در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل داده‌ها

نتایج متغیر	تعداد	مقدار همبستگی	حد معناداری	Sig به دست آمده	نوع رابطه و اعتبار آن	ضریب تعیین
شبکه مجازی مشارکت سیاسی	۳۸۴	-۰/۱۲۰	۰/۰۵	۰/۰۲۰	منفی و معنادار	۰/۰۱۴۴
شبکه مجازی مشارکت غیررسمی	۳۸۴	-۰/۲۳۳	۰/۰۵	۰/۰۰۰	منفی و معنادار	۰/۰۵۴۳
شبکه مجازی شبکه‌ها	۳۸۴	-۰/۱۱۹	۰/۰۵	۰/۰۲۰	منفی و معنادار	۰/۰۱۴۲

نتیجه

یکی از عوامل موفقیت حکومت‌ها، همچنین پایداری دموکراسی، حضور فعال و آگاهانه مردم در امور کشور است. مردمی که بی‌هیچ تشکل و انجمنی همچون اجزای پراکنده و بی‌تفاوت تنها نظاره‌گر تصمیم‌های حکمرانان خودند، خطر بالقوه‌ای برای دموکراسی، همچنین ثبات حکومت‌ها تلقی می‌شوند و حتی استعداد تبدیل شدن به جامعه توده‌ای، سپس حرکت به سمت شکل‌گیری حکومت توتالیتر نیز دور از ذهن نخواهد بود. لذا، به نفع حکومت‌ها خواهد بود که مردم را در انجام امور کشور شریک کنند و از توانایی آن‌ها بهره ببرند. اهمیت این موضوع در این نکته است که تا زمانی که عوامل تأثیرگذار مثبت و منفی بر مشارکت شناسایی نشود، هیچ‌گاه نمی‌توان برای ارتقای کمی و کیفی مشارکت مردم برنامه‌ریزی کرد. به همین دلیل نخستین گام برای بهبود مشارکت مردم این است که بدانیم چه عواملی اثر مثبت یا منفی بر مشارکت می‌گذارد.

مشارکت سیاسی انواع مختلفی دارد. از شرکت در رأی‌گیری که مهم‌ترین نماد مشارکت سیاسی است گرفته تا حضور در سازمان‌های غیر دولتی، انجمن‌ها، شوراهای... همه نمونه‌های مختلفی از مشارکت محسوب می‌شود.

در دوران کنونی مظاهر مشارکت بسیار گسترده شده است، تا آنجا که حتی ارسال پیامک سیاسی نیز مصداقی از مشارکت سیاسی تلقی می‌شود. با وجود این، در این تحقیق آن قسم از مشارکت (مانند حضور در پای صندوق رأی‌گیری، فعالیت‌های حزبی و انجمنی، و شرکت در میتینگ) بررسی شده است که می‌توان آن را مشارکت سیاسی سنتی نامید. طبق یافته‌های این تحقیق مشخص شد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان مشارکت

کاربران، رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد. به این معنا که هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر می‌شود، میزان مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، نهادی و غیرسیاسی کاهش می‌یابد. مشارکت را نیز در این تحقیق به سه دسته مشارکت سیاسی، نهادی و غیررسمی تقسیم کردیم که در همه این موارد رابطه منفی و معناداری وجود داشته است.

بر این اساس، نتایج این تحقیق هماهنگ با نتایج تحقیقات مشابه دیگر در همین زمینه و برخلاف نظریه‌های غربی است. نظریه‌های غربی، همان‌طور که در چارچوب نظری مطرح شد، عموماً رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه اجتماعی (که مشارکت نیز یکی از ارکان اصلی آن است) از یک‌سو و شاخص‌هایی نظیر شبکه‌های اجتماعی، تحصیلات، درآمد، و... قائل‌اند. نظریه‌های پاتنام، لایت‌لی، مک‌لرگ، جیمز کلمن و... مؤید این ادعا است. به اعتقاد مک‌لرگ و لایت‌لی مشارکت‌های اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث افزایش مشارکت سیاسی افراد می‌شود. نظریه شبکه اجتماعی پاتنام نیز رابطه شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی را به خوبی تبیین می‌کند. پاتنام با سه مؤلفه سرمایه اجتماعی را ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌کند که مؤلفه اول آن شبکه‌هاست. همچنین، رابطه سرمایه اجتماعی با شاخص‌هایی نظیر تحصیلات و درآمد نیز رابطه‌ای مثبت و معنادار بود.

در مقابل، نتایج تحقیقات داخلی در بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت و... خلاف نتایج به دست آمده در غرب را نشان می‌دهد. همان‌گونه که به تفصیل توضیح داده شد تحقیقات رابطه منفی و معناداری را بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌هایی همچون عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، درآمد، تحصیلات، و... نشان می‌دهد. طبق یافته‌های پژوهشگران رابطه سرمایه اجتماعی با عواملی مانند تحصیلات و درآمد در ایران منفی و معنادار است. به این معنا که هرچه تحصیلات و سطح اقتصادی افراد بالاتر می‌رود، از سطح سرمایه اجتماعی آنان کاسته می‌شود. طبق یافته‌های این پیمایش نیز رابطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت سیاسی منفی و معنادار است.

از آنجا که در ایران بیشترین افرادی که از اینترنت به طور عام و شبکه‌های مجازی به طور خاص استفاده می‌کنند، از تحصیلکرده‌ها و طبقات متوسط به بالای جامعه‌اند، طبیعی است که میزان مشارکت سیاسی آنان کاهش پیدا کند. نکته دیگر این است که طبق مقررات فضای مجازی ایران استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی مثل فیس‌بوک محدودیت کاربری دارد. به این معنا که این سایت‌ها را مسئولان ذی‌ربط فیلتر می‌کنند و طبق روال عادی قابل استفاده نیستند. قاعده چنین است که کسانی که از این سایت‌ها استفاده می‌کنند باید برخلاف مقررات وزارت ارشاد از فیلترشکن استفاده کنند. بر همین اساس می‌توان گفت که این افراد به طور روزانه و مداوم رفتاری خلاف قانون انجام می‌دهند.

همچنین، دور از ذهن نیست که آن دسته افرادی که روزانه بخشی از وقت خود را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌گذرانند تمایلی نداشته باشند تا برای حضور فیزیکی در نهادهای مردمی، شوراها و سازمان‌های غیردولتی وقت بیشتری بگذارند. مضافاً اینکه شاید دیگر نیازی هم به این کار در خود احساس نکنند چرا که از طریق حضور در شبکه‌های مجازی نیاز خود را برطرف می‌کنند.

اما به نظر نویسندگان مهم‌ترین دلیلی که باعث می‌شود افرادی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند مشارکت کمتری در امور سیاسی داشته باشند این است که عموماً سطح نارضایتی این افراد از بقیه مردم بالاتر است. همچنین، به این دلیل که عموماً قشر تحصیل کرده و مرفه جامعه از این فضاهای مجازی بیشترین استفاده می‌کند، طبق یافته‌های قبلی سطح سرمایه اجتماعی و رضایت‌مندی کمتر و احساس تعلق کمتری به حکومت دارند. در کل، به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مجازی ماهیت مشارکت به‌طور عام و مشارکت سیاسی به‌طور خاص را دچار دگرگونی کرده است، به‌صورتی که احتمال فراگیر شدن این تغییر مشارکت از فضای اجتماعی (واقعی) به فضای مجازی در آینده نزدیک دور از ذهن نخواهد بود.

با توجه به گسترش روزافزون استفاده از فضاهای مجازی به نظر می‌رسد لازم است تا درباره عوارض منفی این وضعیت کارهای تحقیقاتی مختلفی انجام شود. کاهش نارضایتی افشار تحصیل کرده و نخبگان روند نزولی مشارکت آنان را کنترل می‌کند. ارتقای سطح عملکرد دولت، رسیدگی به وضعیت نخبگان، کاهش وعده‌های نجومی و غیرواقعی بینانه مسئولان از مواردی است که نارضایتی‌ها را کاهش می‌دهد، سپس منجر به بالابرد سطح مشارکت این افراد می‌شود.

همچنین، یکی دیگر از مواردی که در افزایش مشارکت مردم نقش بسزایی دارد سازمان‌های غیردولتی است. تکوین و شکل‌گیری این سازمان‌ها، زیربنای جامعه مدنی را می‌سازد؛ جامعه‌ای متشکل از مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها، تشکل‌های خصوصی و غیرخصوصی که کم‌وبیش مستقل از دولت است و روابط درونی و بین آن‌ها کمتر آمرانه و بیشتر داوطلبانه است (علوی‌تبار، ۱۳۷۶، ۵). سازمان‌های غیردولتی با میانجی‌گری میان مردم و دولت زمینه مشارکت مردم را در تصمیم‌گیری‌های دولت فراهم می‌کند. اهمیت ویژه‌ای که می‌توان برای سازمان‌های غیردولتی قائل شد آن است که قادرند عامل مشارکت را که از شاخصه‌های اصلی توسعه محسوب می‌شود در خود جای دهند (زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۰۳؛ علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، شهروز؛ نجفی، داود؛ محموداوغلی، رضا؛ صادقی نقدعلی، زهرا (۱۳۹۲)، رابطه شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۶.
۲. آبرکرامی، نیکلاس، اتفن هیل و برایان اس. ترنر (۱۳۶۷) فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، تهران: نگاه معاصر.
۴. پناهی، محمدحسین، عالی‌زاد، اسماعیل (۱۳۸۴)، «تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸ و ۲۹.
۵. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)، وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران «گفت و گو»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره نهم، شماره ۲.
۶. داس، بیسواجیت (۱۳۹۱)، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی؛ تحلیل انتقادی آثار آنها بر زندگی فردی و اجتماعی، نادعلی، منا، «فصلنامه مطالعات جوان و رسانه، شماره ۵.
۷. دوینوا، آلن (۱۳۷۲)، «اصول دهگانه دموکراسی مبتنی بر مشارکت»، ترجمه بزرگ نادرزاده، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۷۷-۷۸، صص ۵۴-۵۹.
۸. زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۸)، نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار، تهران: انتشارات مازیار.
۹. سام بند، میثم (۱۳۹۰)، تأثیر رسانه‌های نوین بر افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی، رسانه و مشارکت سیاسی، پژوهشنامه، شم ۵۰، ۱۸۱-۱۶۳.
۱۰. سیاه‌پوش، امیر (۱۳۸۷)، فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران، راهبرد فرهنگ، شماره ۳.
۱۱. ضیایی‌پور، حمید، عقیلی، سیدوحید (۱۳۸۹)، بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی، مجله رسانه، سال بیستم، شماره ۴.
۱۲. عبداللهیان، حمید، حقگوئی، احسن (۱۳۸۹)، تبیین رابطه کاربری اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۴، صص ۱۳۰-۱۵۹.
۱۳. علوی پور، پروین، زاهدی، محمدجواد، شبانی، ملیحه (۱۳۸۸)، اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۰۹-۱۳۵.
۱۴. علوی تبار، علی‌رضا (۱۳۷۶)، میزگرد کیان درباره جامعه مدنی، کیان، شماره ۳۳.
۱۵. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (ج اول)، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۱۶. علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد، شبانی، ملیحه، (۱۳۸۸)، اعتماد و مشارکت، (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در شهر تهران)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره دوم.
۱۷. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۹)، سیاست‌شناسی مبانی علم سیاست، تهران: سمت.
۱۸. کیا، علی‌اصغر، محمودی، عبدالصمد (۱۳۹۰)، نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس، مجله سیاسی-اقتصادی، بهار ۹۰، شماره ۲۸۳.
۱۹. منتظر قائم، مهدی، تاتار، عبدالعزیز (۱۳۸۴)، اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه‌های خاموش، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات.

ب) خارجی

20. Ellen Quintelier, Sara Vissers, (2008), The Effect of Internet Use on Political Participation An Analysis of Survey Results for 16-Year-Olds in Belgium, Social Science Computer Review Online First.
21. Eva Anduiza, Marta Cantijoch, Aina Gallego, (2009), Political Participation And The Internet, Universitat Autònoma De Barcelona, volume 12, pp. 860 – 878.

22. Jansen, A. (2001), Democracy & Internet, Third World Quarterly, Vol.22. No.1.
23. McClurg, Scott D, (2003), "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation", Department of Political Science.
24. Putnam, Robert, D., (2000), Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, New York, Simon & Schuster.
25. Putnam R. D., (1993), Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy, Princeton: Princeton University Press.
26. Macclurg, Scott, D., (2003), "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation", Political Research Quarterly, Vol. 56, No. 4.
27. Leighley, Jan, E., (1990), "Social Interaction and Contextual influences on and Political Participation", American Political Research, Vol. 18, No. 4.